قرآن پژوهی در حوزهٔ علمیهٔ خراسان

قسمت پنجم

سید محمد حسین مبلغ

یادآوری:

قرآن پژوهی در حوزه علمیه خراسان را از آغاز ورود هشتمین پیشوای شیعیان جهان، حضرت علی ابن موسی الرضا(ع)درخطه خراسان که بر روی آوردن علما به این سرزمین منجرشد، پی گرفتیم و در قسمتهای پیشین، با تتبّع ناقصی که داشتیم، مفسران و دانشمندان علوم قرآنی در این مرز و بوم را تا پایان قرن ۱۱ هجری برشمردیم واینک در این شماره معرّفی همگامان با قرآن در این حوزه را از آغاز قرن دوازدهم هـ. ق به رشته تحریر می کشیم. بدین امید که پژوهش ما در این مورد(گرچه به طور ناقص ارائه می شود)زمینه ساز تحقیقات گسترده دیگر محققان و اندیشوران گردد.

نگارش تفسیر، قراءت و دیگر علوم قرآن توسط حوزویان این خطه در میان دیگر نگاره ها، جلوه خاصی داشته است. هرچند تاریخ از ضبط کامل همه این تلاشها عاجز بوده و همه آثار فکری و قلمی سودمند محققان و نویسندگان اسلامی و شیعی را به طور کامل معرفی نکرده است و دراین میان تلاشهای قرآنی نیز محکوم این فضا قرار داشته و از این روی، همه کتابها و آثار مفسران اسلامی به خوبی ضبط نشده است. با توجه به این مطلب، به معرفی برخی از مفسران و تفسیرهای قرن دوازدهم حوزه علمیه خراسان، بویژه مشهد که ما به آنها دست یافته ایم، دراین شماره خواهیم پرداخت.

انوار الهدایة

این کتاب تفسیری است از علی بن شیخ حسین کربلایی، از علمای عصرشاه سلطان حسین صفوی، یعنی آغاز قرن دوازدهم هجری که به زبان فارسی نگارش یافته است.

وی ساکن مشهد مقدّس بوده و تمام بهره های علمی خود را از حوزه علمیه مشهد دریافته است و خود مفسر در معرفی کتابش چنین می گوید:

«این مقاله‌ای است مشتمل بر تفسیر دو آیه کریمه از آیات قرآن عظیم و ترتیب شده بر ۳ فصل و خاتمه به این ترتیب:

فصل اول: در تفسیر آیه کریمه«ولقد خلقنا الانسان ونعلم ماتوسوس به نفسه و نحن اقرب الیه من حبل الورید»

فصل دوّم: در تفسیر آیه کریمه: «واعلموا انّ اللّه یحول بین المرء و قلبه»

فصل سیوّم: در بیان آن که مراد به علوم دینی که باعث اند بر حیات ابدی و سرمدی چه چیز است»[1]

این تفسیر در سال ۱۱۰۷ هـ. ق. به پایان رسیده است.[2]

آغاز: «بسمله، الحمدللّه ربّ العالمین و الصّلاة والسّلام...»

پایان: «تاکند شق پرده پندار را هم به چشم یار بیند یار را»

... تمّ الکتاب بعون الملک الوهاب ربیع الاول سنة ۱۱۰۷

سبک نگارش

تفسر یاد شده که به زبان فارسی ساده و روان، نگارش یافته است، به سبک زیر، تحریر شده است:

۱. مفسّر، به مباحث ادبی وعلم و ادبیات عرب، توجه نکرده است.

۲. کلمات را از زبان مفسران، نه اهل لغت، به تعبیرهای گوناگون، معنی کرده وآن گاه معنای مورد نظر خویش را یادآور

شده است.

۳. اقوال مفسران را بدون اشاره به نام و کتابهای آنان ذکر کرده وآن گاه نظرخویش برگزیده است.

۴. آراء حکما و فلاسفه را به طور مطلق و بدون اشاره به نام شخص و یا دسته ای یاد کرده وآن گاه به مقام ردّ و تکذیب آن برآمده است.

چنانکه درمورد صفات الهی می نویسد:

«امّا راه حکما، پس ایشان موصوف می سازند، حق تعالی را به صفتی که عقلهای ایشان قبول کند آن صفت را و موصوف نمی سازند او را به صفتی که عقلهای ایشان قبول نکند آن صفت را، چنانکه حقّ تعالی را به صفت علم، موصوف می سازند و به صفت کلام و قدرت موصوف، نمی سازند. و در معانی صفات، نظرهای دقیق و فکرهای عمیق می کنند، تا شاید معانی صفات واجب تعالی را بشناسند و هر طایفه ای، فراخور استعداد و عقل خودشان، چیزی گفته اند و اکثر ایشان در ذات واجب الهی تعمّق کرده اند وحرفهای بسیار گفته اند. تعالی اللّه عن أن تدرك حقیقته العقول و الابصار و این راه در شرع انور درست نباشد.»[۳]

اسرار التّوحید

کتابی است، گرانقدر در تفسیر آیة الکرسی و در شرح اسم اعظم الهی و شرح هویت او که به قلم شیخ عارف، فقیه متکلم، مفسر، عبدالواحد بن نعمة اللّه بن یحیی دیلمی جیلانی استرآبادی، نگارش یافته است.

وی، اهل مازندران بود، ولی شاگرد مبرّز و معروف شیخ بهایی بود و تمام مراتب عالیه در تفسیر و فقه را درمشهد واز محضر این استاد بزرگ کسب کرد.

عبدالواحد گیلانی، در علوم مختلف اسلامی، چون: فقه، اصول، فلسفه، کلام، عرفان، تفسیر و... تبحّر کامل داشته و به نقل تهرانی از گفته صاحب ریاض همه علوم یادشده را از حوزه علمیه مشهد مقدّس فراگرفته بود.

وی، در عرفان و پرورش اندیشه عرفانی اسلامی، ویژگی داشت. او در عمل خود اهل طریقت بود(بنابرآنچه یادشد) وی صاحب آیات بینات واثبات شوق بود که صاحب ریاض همه را یاد کرده است.[۴]

وی دراین راه، به آنچه که ابوهذیل و محی الدین ابن العربی وخواجه عبداللّه انصاری و دیگر عارفان رسیده بودند، به خوبی دست یافته بود.

تفسیر آیات الهی از سوی وی، از اندیشه عرفانی او نشأت می گرفت و به عبارت دیگر، آیات را با آن دید که عرفا تفسیر می کنند، تفسیر می کرد.

او، نویسنده توانمندی بوده است که اندیشه های تفسیری، کلامی وعرفانی خود را به خوبی توانسته به رشته تحریر کشد و دیگران را از آن بهره مند سازد.

وی، به نقل مرحوم آقا بزرگ تهرانی در کتاب«الذریعة»، از صاحب ریاض، بیش از ۶۰ جلد آثار کتبی در زمینه های مختلف اسلامی ازخود به یادگار گذاشته است.[۵]

آقا بزرگ تهرانی نویسد:

«صاحب ریاض، همه کتابهای وی را شمرده است.»

تفسیر مورد بحث یکی از ۶۰ جلد کتاب اوست.

موضوع بحث وی در این تفسیر، همچنانکه در آغاز یاد شد، شرح اسم اعظم الهی است. وی هرچند از مباحث کلامی نیز غفلت نورزیده، ولی در این بحث، به طور عمده، اندیشه عرفانی خود را به پرواز در آورده و به اسم اعظم الهی، از این زاویه نگریسته است.

اسرار القرآن

کتابی است در تفسیر قرآن کریم که به قلم متکلم، عارف مفسّر، عبدالواحد بن نعمة اللّه بن یحیی گیلانی استرآبادی، شاگرد شیخ بهائی نگارش یافته است.

تهرانی نویسد:

«صاحب ریاض، این کتاب و دیگر تصنیفات او را که از ۶۰ جلد متجاوز است، ذکر کرده است.»[۶]

متأسفانه، این تفسیر دیده نشده است و در زمینه خصوصیات آن، اطلاعی در دست نیست.

تفسیر آیه: «وسیجنبها الاتقی» (لیل / ۱۷)

اثری است ازملامحمد رفیع گیلانی مشهدی (م: ۱۱۶۱ هـ. ق) درتفسیر آیه مبارکه یادشده که به زبان عربی نگارش یافته است.

ملامحمد رفیع مشهدی، فقیه و دانشمند و ازعلمای برجسته زمان خود و مرجع تقلید بود.

وی، از سیدعبداللّه جزایری اجازه اجتهاد داشت و به شاگردش شیخ حسین بن محمد سنبسی اجازه اجتهاد داد.

وی گذشته از فقه و اصول، در فلسفه و کلام نیز، تبحر کامل داشته وکلاسهای درسی بر قرار می کرد.

او، مردی زاهد و پرهیزگار و متهجد بود و به طور عملی، در

بعد اخلاقی نیز راهنمای خوبی، برای مردم بود.

ملامحمد رفیع گیلانی که در اصل اهل گیلان وساکن مشهد مقدّس بود، در زمان خود(به گفته آقا بزرگ تهرانی در کتاب الذریعه)امامت جمعه و جماعت مشهد مقدّس را به عهده داشت.[7]

او اهل قلم و نویسنده بود و آثار مکتوب زیادی، در زمینه های گوناگون علوم اسلامی از جمله فقه و تفسیر، ازخود به یادگار گذاشته است. یکی از آثار قلمی وی، تفسیر آیه شریفه: «وسیجنبها الاتقی» است که اکنون موضوع بحث قرار دارد.

تفسیر مودر بحث، توسط نگارنده، مشاهده نشده تا از سبک نگارش آن، سخن به میان آید و تنها صاحب الذریعه، از آن یاد کرده است.

موضوع آن چنانکه صحبت شد، تقوی وخودسازی بود وچنانکه صاحب الذریعه ازقول شیخ حسین بن محمد سنبسی شاگرد وی گوید:

«تفسیر وی براین آیه، ردّ بر تفسیر بیضاوی براین آیه است.»[8]

تفسیر آیه «واذ ابتلی ابراهیم ربّه بکلمات...» (بقره / ۱۱۸)

این تفسیر نبی به قلم ملامحمد رفیع گیلانی مشهدی، در تفسیر آیه یاد شده، نگارش یافته است.

ملامحمد رفیع گیلانی، تألیفات زیادی داشت که تفسیر چند آیه به طور مستقل و جداگانه از آن جمله است.

تفسیر مورد بحث، در یک جلد کوچک در ۵ صفحه است که اکنون به ضمیمه«عیون اخبار الرضا» در مخزن کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، موجود است.

موضوع این تفسیر، امامت است و درآن از عصمت انبیاء (ع) نیز بحث شده است.

تفسر آیه: «وماخلقت الجن و الانس الا لیعبدون» (ذاریات / ۵۶)

این تفسیر نیز به قول سنبسی، بر ردّ بیضاوی نوشته شده است.

او، رساله های تفسیری دیگری در تفسیر دیگر آیات قرآنی نیز، به رشته تحریر درآورده است که کمی وقت، مجال دسترسی به همه آنان را نداد و صاحب الذریعه نیز به بیش ازآنچه که یادشد دست نیافته است.

وجود این رساله ها خود گواه زنده‌ای است براین که کار تفسیر و تفسیر نگاری از دیدگاه این مرجع دینی درحوزه علمیه مشهد، از اهمیت خاص برخوردار بوده است.

ونیز تفسیر آیات یاد شده، بیانگر این حقیقت است که نویسنده، آیات قرآن را بر اساس ضرورت و نیازهای دینی و اخلاقی، تفسیر می کرد.

قرن سیزدهم هجری قمری

تلاشهای قرآنی در ابعاد مختلف تفسیر نویسی، نگارش کتابها در علم قراءت و دیگر علوم قرآن، تشکیل کلاسهای درس تفسیر و قراءت و... در حوزه های علمیه خراسان، بویژه مشهد مقدّس، در قرن ۱۳ هـ. ق جلوه بی سابقه ای داشت. مفسران در نگاشتن تفسیر و قراءت و استادان در تشکیل کلاسهای درس قرآن در همه ابعاد آن، بر یکدیگر پیشی می گرفتند و از این روی اگر کتابهای قرآنی قرن سیزدهم حوزه علمیه خراسان را بتوانیم به طور تمام و کمال بشماریم، آمار بیشتری را به خود اختصاص خواهد داد.

ما دراین شماره، به شمردن فهرست گونه همه این تلاشها قادر نخواهیم بود؛ از این روی، موارد اندکی ازاین آثار را یاد می کنیم ومعرفی دیگر آثار تفسیری و قرآنی این قرن را به شماره بعد واگذار می کنیم.

بدین امید که خداوند این توفیق را شامل حال نگارنده قرار دهد تا به ادامه این کار دست یابد.

سیدجعفر سبزواری

سیدجعفر سبزواری از علمای قرن سیزدهم هجری است که مراتب علمی خود را درحوزه علمیه مشهد مقدّس به پایان رسانید.

سیدجعفر سبزواری، نویسنده توانمندی بود که آثار کتبی فراوانی ازخود به یادگار گذاشت. چنانکه بعداً خواهیم گفت، وی در حدود ۲۰۰ جلد کتاب و رساله در زمینه های مختلف نوشته است.

میرزا عبدالرحمن مدرس می نویسد:

«سید جعفر سبزواری، تاریخ تولد و وفاتش به خوبی معلوم نیست. ولی به طور احتمال در اوایل قرن ۱۳ هـ. ق می زیسته است؛ زیرا وی بعد از دوره میرزا مهدی، معروف به شهید ثالث در مشهد بوده که تاریخ ولادت وی (۱۱۵۲ هـ. ق) و وفات وی (۱۲۱۸ هـ. ق) گزارش شده است.

او در حدّ دویست رساله از خود در علوم مختلف به یادگار گذاشته است که از مجموع، یک رساله درعلم قرائت نوشته است.»[9]

از حجم و سبک نگارش رساله یاد شده اطلاع دقیقی در دست نیست؛ زیرا همچنانکه یادشد، حوزه های علمیه شیعی و دیگر مراکز فرهنگی ایرانیان، در جهت چاپ و نشر آثار فرهنگی تلاش کم تری مبذول داشته اند واین خود بزرگ ترین کمبود است. ولی گذشته از چگونگی و سبک نگارش آن(به هر گونه که باشد)می توان

گفت نگارش این رساله ها در حوزه علمیه مشهد، توسط علمای بزرگ این حوزه، نشانه اهتمام حوزویان این خطه به تلاشهای قرآنی است.

تفسیر میرزا هدایة اللّه

این تفسیر به قلم میرزا هدایة اللّه، فرزند علامه میرزا مهدی رضوی، به رشته تحریر درآمد. پدر مفسر، میرزا مهدی رضوی درمشهد مقدس شهید شد. مفسرمورد بحث، خود در سال ۱۳۴۸ وفات کرد.

آقا بزرگ تهرانی از این تفسیر یادکرده و به نقل از مطلع الشمس می نویسد:

«این تفسیر، دلالت بر فضل و دقت مؤلف دارد.»[۱۰]

ازاین بیان به دست می آید که تفسیرمورد بحث از نظر محتوا، وزین و دارای کاربرد علمی بوده است.

گویا این تفسیرکامل نشده است. آقابزرگ تهرانی به نقل از «فردوس التواریخ» می نویسد:

«تفسیر ده جزء از اول قرآن و ده جزء از آخر قرآن، از این تفسیر منتشر شد»[۱۱]

آثار تفسیری شمس الدین بهبهانی

شمس الدین ابن جمال الدین بهبهانی، یکی دیگر از عالمان برجسته حوزه علمیه مشهد است که به نوبه خود در نگارش آثار قرآنی، از جمله تفسیر و قراءت ونیز تشکیل حلقه های درسی به منظور تعلیم این دوعلم مهم قرآنی، اهتمام فراوان ورزید. وی که اهل بهبهان بود، در معیت دیگر عالمان بزرگ زمان خویش به منظور فراگیری علوم اسلامی، به حوزه علمیه مشهد تشرّف یافته و درجوار ملکوتی هشتمین پیشوای شیعیان، تاپایان عمر به تعلیم و تعلّم و نگارش مشغول بود.

صاحب تاریخ علمای خراسان می نویسد:

«شمس الدین بن جمال الدین بهبهانی که به سال ۱۲۴۸ وفات یافت، همراه مرحوم بحرالعلوم و میرزا مهدی شهرستانی و سید صاحب ریاض، در بلاد مختلف به فراگرفتن فقه و اصول و تفسیر و سایر علوم شرعیه پرداختند.»[۱۲]

میرزا عبدالرحمن نیز می نویسد:

«وی، عزم خراسان کرد و در یکی از حجرات صحن مقدّس عتیق که حرم مطهر و گنبد منوّر در برابر او از جانب قبله واقع می شد، منزل ساخت...»[۱۳]

وی، دارای آثار کتبی فراوان در زمینه های مختلف علوم اسلامی ازجمله تفسیر و قراءت بوده است ومنابع شیعی از تألیفات قرآنی وی سخن گفته اند، ولی نام و شمار کتابهای قرآنی وی را به طور مشخص روشن نکرده اند، چنانکه صاحب تاریخ علمای خراسان می نویسد:

«وی کتابهایی در تفسیر و قراءت نوشته است»[۱۴]

تفسیر الشاهرودی

اثری است از ملامحمد علی بن محمد کاظم بن اللّه آورد خراسانی شاهرودی (م: ۱۲۹۳ هـ. ق.) که در تفسیر قرآن کریم، به زبان عربی نگارش یافته است.

آقا بزرگ تهرانی در الذریعه می نویسد:

«وی، در اصل اهل خراسان بوده، گرچه دراواخر عمر در شاهرود اقامت کرده بود. کتابها و تصنیفات وی از ۲۸ جلد فزون بود که تفسیر یاد شده از جمله آنهاست و متأسفانه این تفسیر، ناتمام مانده است. فرزند وی شیخ احمد شاهرودی که عالم جلیل القدر معاصر و مؤلف کتاب«ازالة الاوهام» است، از ناتمام بودن تفسیر، تصنیفات، تاریخ زندگی ومشایخ مفسر یاد شده به من خبرداد.»[۱۵]

ازآنجه که یاد شد، به خوبی به دست می آید که وی از نویسندگان بارز این خطه بوده و به نگارش تفسیر نیز اهتمام کامل داشته است.

ادامه دارد

پی نوشتها

۱. کتابخانه خطی آستان قدس رضوی، انوار الهدایه، شماره۱۲۱۲/۱.
۲. مدرك پیشین/ ۵.
۳. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۲ / ۵۴ به نقل از سیدصاحب ریاض.
۴. مدرك پیشین.
۵. مدرك پیشین.
۶. مدرك پیشین.
۷. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۴ / ۳۲۳.
۸. مدرك پیشین.
۹. میرزا عبدالرحمن مدرس، تاریخ علمای خراسان(چاپ طوس، مشهد، ۱۳۴۱)/ ۵۸.
۱۰. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه ج ۴ / ۳۲۱.
۱۱. مدرك پیشین.
۱۲. میرزا عبدالرحمن مدرس، تاریخ علمای خراسان/ ۷۷.
۱۳. مدرك پیشین/ ۷۸.
۱۴. مدرك پیشین/ ۷۸.
۱۵. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۴ / ۳۷۷.